یادداشت

ترس رئیس‌جمهور، نشانه آگاهی است نه ضعف

ادامه از صفحه اول

این اختلاف درونی، ریشه در رقابت بر سر منابع، بودجه و اختیارات دارد؛ رقابتی که بدون داوری بی‌طرف، به فرسایش سیاسی می‌انجامد. هرچه اعتماد در بالا کمتر شود، هزینه‌های عدم هماهنگی بیشتر بر دوش جامعه می‌افتد. نهادهای قدرتمند، اگر قواعد داوری و پاسخ‌گویی نداشته باشند، به بازیگران خودمختاری تبدیل می‌شوند که در برابر هیچ‌کس پاسخ‌گو نیستند. ترس پزشکیان از اختلاف، در حقیقت هشدار نسبت به همین شکاف نهادی است؛ شکافی که می‌تواند پایه هر اصلاحی را بلرزاند.

حلقه بسته تصمیم‌گیری؛ بازتولید اختلاف

هرگاه تصمیم‌سازی در حلقه‌ای بسته متمرکز شود، دو پدیده شکل می‌گیرد: نخست، انحصار اطلاعات و تصمیم؛ یعنی دیگران از فرایند مشارکت حذف می‌شوند. دوم، افزایش فاصله میان دولت و جامعه؛ زیرا تصمیم‌ها دیگر از دل نیاز مردم نمی‌جوشند. به همین دلیل است که هر میانه‌رو یا اصلاح‌طلبی در ایران، زود یا دیر با دیواری نامرئی برخورد می‌کند. پزشکیان نیز امروز در برابر همین دیوار ایستاده است. او می‌خواهد وفاق بسازد، اما مواجه با همان اقلیتی است که خود را تجسم حقیقت می‌داند.

در چنین سازوکاری، تصمیم‌ها در «اتاق پژواک» گرفته می‌شوند؛ جایی که تنها صدای موافقان شنیده می‌شود. این حلقه‌ها سیاست را از واقعیت جدا می‌کنند و شکست‌ها را به گردن بیرون می‌اندازند. در ظاهر، جلسات مشورتی برگزار می‌شود، اما در عمل، نظرها از پیش تعیین شده است. شکستن این چرخه نیازمند شفافیت عمومی، نشست‌های واقعی با نهادهای مدنی و آزمایش سیاست‌ها در مقیاس محدود پیش از تعمیم سراسری است. تا زمانی که سیاست‌گذاری، درِ بسته دارد، اختلاف همچنان از بالا به پایین تراوش می‌کند.

ترس پزشکیان، نشانه آگاهی است

باید منصف بود؛ ترس پزشکیان از اختلاف، ترسی عقلانی و مبتنی بر تجربه است. او برخلاف برخی سیاست‌مداران، می‌داند که شکاف‌های اجتماعی زمانی خطرناک می‌شوند که در سطوح بالا بازتاب یابند. تجربه تاریخ معاصر ایران نشان داده است هرگاه اقلیتی خود را تافته جدابافته دانسته، کشور به سوی واگرایی و بحران اجتماعی رفته است. از این‌رو، هشدار رئیس‌جمهور اگر جدی گرفته شود، می‌تواند نقطه آغاز گفت‌وگویی واقعی درباره اصلاح ساختارها باشد؛ گفت‌وگویی که بدون آن، هیچ وفاقی پایدار نخواهد ماند.

پزشکیان در اینجا نقشی دوگانه دارد؛ از یک سو باید دولت‌داری روزمره را پیش ببرد و از سوی دیگر، معمار قواعد جدید باشد. اگر تنها در نقش اول بماند، در سیلاب ساختار حل می‌شود. ترس او از اختلاف، اگر به طرحی برای شفافیت و بازتعریف قدرت بدل شود، می‌تواند مهم‌ترین میراث سیاسی‌اش شود. این دوره، فرصت طلایی برای آغاز اصلاحات نهادی است؛ چراکه جامعه هنوز به گفت‌وگو امید دارد.

بازگشت وفاق از سطوح بالا، نه از قاعده

اختلاف، ریشه در جامعه ندارد؛ جامعه فقط آن را بازتاب می‌دهد. سرچشمه اختلاف، در جریاناتی است که به گفت‌وگو باور ندارند. وفاق ملی نه در خیابان‌ها، بلکه در اتاق‌های تصمیم‌گیری ساخته می‌شود؛ همان‌جا که باید صدای مردم، منتقدان و اقلیت‌ها شنیده شود. اگر پزشکیان بتواند این درک را به زبان سیاست رسمی ترجمه کند، آنگاه سخنش درباره ترس از اختلاف داخلی به پیشگویی بدبینانه تبدیل نخواهد شد، بلکه به نقطه آغاز اصلاحی اخلاقی و سیاسی بدل می‌شود.

وفاق، زیرساخت حکمرانی است؛ همان‌گونه که جاده زیرساخت حمل‌ونقل است. قواعد منصفانه بازی سیاسی، زیربنای توسعه هستند. اخلاقِ گفت‌وگو لازم است اما کافی نیست؛ باید نهادهایی باشند که حتی در غیاب اخلاق، اختلاف را مهار کنند. معیار موفقیت دولت در ماه‌های آینده نه در تعداد پروژه‌ها، بلکه در میزان کاهش تعارض نهادی و افزایش شفافیت سنجیده خواهد شد. اگر گفت‌وگو جای انحصار را بگیرد، می‌توان گفت ترس پزشکیان به آگاهی جمعی بدل شده است.

راه رهایی از اختلاف

آقای رئیس‌جمهور،

۱. حق اختلاف را رسمی کنید. وفاق پایدار از به رسمیت شناختن مخالفت مشروع آغاز می‌شود.

۲. قواعد را شفاف کنید. پیش‌بینی‌پذیری، دشمن اختلاف‌های فرسایشی است.

۳. از نماد به نهاد بروید. ژست وحدت بدون سازوکار الزام‌آور، توهم وفاق است.

در کوتاه‌مدت، دولت باید منشور انتصاب و ارزیابی شایستگی را منتشر کند، شورای گفت‌وگوی ملی الزام‌آور با حضور نیروهای منتقد تشکیل دهد و مرجع داوری بین نهادی برای حل تعارضات ایجاد کند. همچنین آزمایش سیاست‌ها در مقیاس محدود پیش از اجرای ملی و برگزاری نشست‌های شفاف رسانه‌ای هفتگی ضروری است.

در میان‌مدت، اصلاح قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، تقویت شوراهای محلی و تعامل نظام‌مند با دانشگاه‌ها و اندیشکده‌ها، مسیر نهادینه‌سازی وفاق است. اگر دولت بتواند در ۱۲ ماه آینده سطح تعارض نهادی را کاهش دهد و شاخص اعتماد عمومی را بالا ببرد، می‌توان گفت سخن رئیس‌جمهور از «ترس از اختلاف» نه هشدار، بلکه نقطه آغاز یک بازسازی درونی در قدرت بوده است.

وفاق واقعی، بازگشت قدرت به تعادل است؛ نه نادیده گرفتن اختلاف، بلکه تنظیم آن. و این تنها زمانی ممکن است که، صدای همه فرزندان یک ملت شنیده شود؛ حتی آنان که در حاشیه‌اند، اما قلب تپنده ایران‌اند.

جنبش نه به پادشاهان، جوش و خروش را به خیابان‌های آمریکا آورد

دموکراسیِ زخمیِ آمریکا

مهسا مژدهی

دموکراسی آمریکایی در خطر است؛ این همان چیزی است که بسیاری از شهروندان این کشور پس از ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید احساس کرده‌اند. وودرو ویلسون، بیست‌وهشتمین رئیس‌جمهور ایالات متحده، هنگام استدلال برای ورود کشورش به جنگ جهانی اول، گفت آمریکا باید اصول صلح و عدالت را در برابر قدرت خودخواهانه و استبدادی ترویج کند. در ۱۹۴۰، فرانکلین روزولت به آمریکا به عنوان منبع دموکراسی اشاره کرد که مصمم است به متحدان بریتانیایی علیه نازی‌ها کمک کند. او گفت هیچ دیکتاتوری، هیچ ترکیبی از دیکتاتورها، نمی‌تواند آن عزم را تضعیف کند. اما حالا همه چیز در آستانه فروپاشی قرار گرفته است. حتی رویکرد ریاکارانه آمریکایی‌ها درمورد دموکراسی که زیربنای آن حمایت از برخی از بزرگ‌ترین جنایات است، دیگر محلی از اعراب ندارد. میلیون‌ها نفر از شهروندان می‌گویند مرگ دموکراسی را در خاک کشورشان تحمل نمی‌کنند.

آمریکایی‌ها تاب استبداد ندارند

طرفداران جنبش نه به پادشاهان که برای بار دوم روز شنبه به خیابان‌های ۵۰ ایالت آمریکا آمده و بیش از دو هزارو ۶۰۰ گردهمایی را همراه با ساز و آواز و لباس‌های فانتزی و پلاکاردهای طعنه‌آمیز شکل دادند، معتقدند طی ماه‌های اخیر، آمریکا با شتابی غیرقابل تصور به سمت استبداد پیش رفته است. آنها که از سوی جمهوری‌خواهان مورد انتقاد شدید قرار گرفته و متهم به تعطیل‌کردن دولت شده‌اند، سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده تحت رهبری دونالد ترامپ را علیه دموکراسی و ارزش‌های آمریکایی می‌دانند.

دونالد ترامپ ادعا می‌کند حق دارد هرکسی را که بخواهد اخراج کند، بودجه فدرال را خارج از تخصیص‌های کنگره لغو یا خرج کند و حملات مرگ‌بار علیه غیرنظامیان خارجی را بدون مجوز صریح کنگره یا شواهدی از تهدید قریب‌الوقوع برای آمریکایی‌ها رقم بزند. این آزادی عملی که ترامپ تصور می‌کند می‌تواند بدون توضیح به جامعه آمریکایی داشته باشد، آن چیزی نیست که چپ‌ها و دموکرات‌ها بتوانند تحملش کنند.

توهین به قانون، دموکراسی و آزادی

هر چند جمهوری‌خواهان مایل‌اند دموکرات‌ها و چپ‌هایی را که به خیابان آمده‌اند، کسانی بدانند که از آمریکا متنفرند، اما معترضان با در دست داشتن پلاکاردهایی که شعارهای هیچ‌چیز وطن‌پرستانه‌تر از اعتراض نیست و علیه فاشیسم مقاومت کنید، روی دیگری از شهروندی را به نمایش گذاشتند. میلیون‌ها نفر حاضر در اعتراضات، امر وطن‌دوستانه را با علاقه بی‌قیدوشرط به دموکراسی گره زدند. آنها حضور ترامپ در کاخ سفید را توهین به قانون، به دموکراسی و آزادی می‌دانند.

دونالد ترامپ در سیاست خارجی خود این روزها شیفته حاکمان اقتدارگرا و کاریزماتیک است. برخی معتقدند او در دل آرزو دارد نفوذی چون ولادیمیر پوتین یا شی‌جین پینگ را در کشورش تجربه کند. آنها رئیس‌جمهوری دارند که به طور منظم قضات و خبرنگاران را مورد حمله قرار می‌دهد، مدیران عامل را وادار به تحویل سهام شرکت‌هایشان می‌کند و رؤسای دانشگاه را به پرداخت جریمه‌های بی‌اساس وادار کرده و نیروهای نظامی را به شهرهای آمریکایی می‌فرستد. او یک نیروی پلیس داخلی جدید می‌سازد و با شور و شوق شکاف بین آمریکای قرمز و آبی را عمیق‌تر می‌کند. در خارج از ایالات متحده، دونالد ترامپ ظاهرا با دیکتاتورها خوشحال‌تر از متحدان دموکراتیک است. او لحنی تحقیرآمیز نسبت به مردانی چون کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا و حتی امانوئل مکرون فرانسوی دارد و به جورجا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا، مانند یک شیء تزیینی نگاه می‌کند و در مقابل ته قلبش برای پوتین و شی احترام ویژه‌ای قائل است.

وقتی لحن ترامپ به پوتین نزدیک می‌شود

دونالد ترامپ و هم‌حزبی‌ها، در مقابل مخالفان و معترضان از کلمات مشابهی استفاده می‌کنند. آنها شیفته این هستند که مخالفان را چپ، ووک و حامی حماس دانسته و اتهاماتی درمورد تروریسم را مطرح کنند. وقتی ترامپ از رسانه‌هایی که اخبار جعلی را منتشر می‌کنند حرف می‌زند، لحنی بسیار شبیه به ولادیمیر پوتین دارد. هرچند ترامپ خوش‌شانسی پوتین را ندارد که بتواند صدای اصلی در کشورش بوده و تا مدت‌زمانی نامعلوم در اتاق بیضی باقی بماند و فقط سه سال دیگر فرصت دارد، اما هیچ‌کدام از اینها مانع از آن نشده که رؤیای ساختن یک امپراتوری خودساخته را در مغزش نپروراند. آیا دونالد ترامپ نسبتش را با واقعیت از دست داده است؟ برخی از منتقدان او چنین اعتقادی دارند. آنها دونالد ترامپ را مردی سودایی، ناآشنا به ارزش‌های واقعی آمریکایی به‌ویژه دموکراسی و آزادی‌های فردی می‌دانند که به‌واسطه موقعیت متفاوتش و بی‌تجربگی سیاسی عمیق، واقعیات را در زمین سیاست نمی‌بیند. او برای آنکه جدی گرفته شود، اطرافش را با کسانی پر کرده که تجربه مشابهی دارند. جی‌دی ونس، معاون اول ترامپ نویسنده‌ای است که نمی‌تواند میل به اینفلوئنسرشدن را پنهان کند. پیت هگست، وزیر جنگ که نمادهای قرون وسطایی را روی پوست خود تتو کرده و کهنه‌سرباز و مجری برنامه‌های تلویزیونی بوده است هم جاه‌طلبی‌های غیرمعمولی دارد. این دو از مهم‌ترین افرادی هستند که دورتادور دونالد ترامپ را پر کرده‌اند.

این آمریکای جدید است

پس از اینکه الکساندر سولژنیتسین، نویسنده دوران شوروی، به دلیل مخالفت سیاسی از کشورش تبعید شد، دولت ایالات متحده ورود او به آمریکا را تسهیل و از او استقبال کرد. سولژنستین فرصت پیدا کرد در این کشور زندگی کند و کماکان راوی وقایع هولناک در شوروی باشد. اما قهرمانان آمریکای ترامپ حالا نه روشنفکران و نویسندگانی چون سولژنیتسین، بلکه اینفلوئنسرها و یوتیوبرهای بدنام‌اند. آنها اکنون قهرمانان متفاوتی دارند. در ماه‌های اخیر دولت ترامپ تمام تلاشش را کرد تا برادران تیت، یوتیوبرهایی که به اتهامات اخلاقی و جنسی در رومانی دستگیر و برای مدتی بازداشت شده بودند، نجات داده و به آمریکا بکشاند. طرفداران ترامپ به گروه‌های ناسیونالیست بدنام اروپایی پول می‌دهند تا در کنار جنبش ماگا بایستند. آنها از اینکه بدنامان به جنبششان بپیوندند ابایی ندارند و در مقابل دیگران را با اتهاماتی تکراری، خطاب قرار داده و منزوی‌شان می‌کنند. اما برای رهبران حزب جمهوری‌خواه، این افراد شهروندانی نیستند که از حق اساسی خود برای اعتراض استفاده می‌کنند، بلکه خرابکارانی هستند که قصد تضعیف ساختار ملت را دارند.

مخالفان باید بی‌اعتبار شوند

برای آنچه جمهوری‌خواهان به رهبری ترامپ در سر دارند، «دیگری» باید بی‌اعتبار و بی‌آبرو شود؛ روندی مبتنی بر شیطان‌سازی از معترضان در جریان است که سابقه زیادی در عرصه سیاسی ایالات متحده ندارد. «دیگری»، مدام متهم است که کشور را به سوی آشوب برده، از قدرت آمریکای بزرگ می‌کاهد و باید حذف یا در بهترین حالت کنترل شود. ترامپ تلاش دارد خود را نماینده واقعی مردم آمریکا بداند. برای او مردم آمریکا فقط کسانی هستند که در روز انتخابات نامش را به صندوق انداختند و دیگران بیگانگانی مزاحم‌اند که خطری بزرگ برای ایالات متحده محسوب می‌شوند. هرچند اعتراضات بزرگ «نه به پادشاهان» نشان داد میلیون‌ها شهروند ایالات متحده نسبتی با تمامیت‌خواهی ترامپ ندارند و علیه نشانه‌های استبداد می‌ایستند، اما ترامپ آنها را دست‌کم می‌گیرد. او این اعتراضات را نه علیه خود، بلکه علیه مردم کشورش می‌داند. با وجود چنین روایتی از سوی کاخ سفید و جمهوری‌خواهان، اما آنهایی که سرخورده از رأی به ترامپ بوده و افرادی که خود را از نظر سیاسی منزوی و در اقلیت می‌دانند، متوجه شده‌اند که روایت قالبی که دونالد ترامپ ارائه می‌کند، تنها روایت موجود در کشورشان نیست. این اعتراضات نمی‌تواند رئیس‌جمهور ایالات‌متحده را از برنامه‌های خود دور کرده یا نظرش را نسبت به آزادی و دموکراسی عوض کند؛ اما می‌تواند نور امید را در قلب ناامیدان روشن کند.

برای آنچه جمهوری‌خواهان به رهبری ترامپ در سر دارند، «دیگری» باید بی‌اعتبار و بی‌آبرو شود؛ روندی مبتنی بر شیطان‌سازی از معترضان در جریان است که سابقه زیادی در عرصه سیاسی ایالات متحده ندارد. «دیگری»، مدام متهم است که کشور را به سوی آشوب برده، از قدرت آمریکای بزرگ می‌کاهد و باید حذف یا در بهترین حالت کنترل شود

گزارش

پیروزی «پاز» در «لاپاز»

شرق: درحالی‌که اقتصاد بولیوی با کمبود سوخت، تورم ۴۰ساله و سقوط صادرات گاز دست‌به‌گریبان است، رأی‌دهندگان این‌بار پس از ۲۰ سال به سلطه چپ‌ها پایان دادند و مسیر تازه‌ای را برگزیدند. رودریگو پاز با کسب ۵۴.۵ درصد آرا در برابر ۴۵.۵ درصد رقیب محافظه‌کارش، خورخه «توتو» کیروگا، پیروز شد. نتایج اولیه هیئت انتخابات ملی این کشور نشان می‌دهد که او با اختلافی روشن برنده شده، اما حزبش اکثریت پارلمان را در اختیار ندارد؛ عاملی که او را ناگزیر به ایجاد ائتلاف برای اداره دولت خواهد کرد. قرار است او هشتم نوامبر سوگند یاد کند. پاز در سخنرانی پیروزی خود در لاپاز، پایتخت بولیوی، گفت: «باید درهای بولیوی را به روی جهان باز کنیم». او تأکید کرد که کشور نیازمند مشارکت جهانی و همکاری تازه با متحدان دیرینه است. در همین حال، کیروگا شکست را پذیرفت. این پیروزی برای پاز ۵۸ساله، نقطه‌ای تاریخی است؛ بولیوی از سال ۲۰۰۶ تقریبا به طور مداوم تحت حکومت جنبش سوسیالیسم (MAS) اداره شده بود؛ حزبی که زمانی از حمایت گسترده جامعه بومی برخوردار بود و پایه قدرت خود را بر طبقات فرودست بنا کرده بود. پاز سومین عضو از خانواده سیاسی‌اش است که به مقام ریاست‌جمهوری می‌رسد. او با تکیه بر پلتفرمی معتدل، وعده داد ضمن حفظ برنامه‌های اجتماعی، رشد اقتصادی را برپایه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی پیش ببرد. همین رویکرد متوازن، رأی بسیاری از هواداران سابق MAS را که از فساد و رکود خسته شده‌اند اما از ریاضت اقتصادی کیروگا بیم داشتند، به خود جلب کرد. محبوبیت MAS در دور نخست انتخابات در ماه آگوست به‌شدت سقوط کرد؛ بحرانی که کارشناسان آن را نتیجه سوءمدیریت اقتصادی و سقوط قیمت گاز می‌دانند. گلادیس گونزالس کالانچه، تحلیلگر گروه بحران بین‌المللی برای منطقه آند جنوبی، گفت: «این انتخابات نقطه عطفی سیاسی است. بولیوی در مسیر تازه‌ای قرار گرفته است». هر دو نامزد وعده داده‌اند روابط دیپلماتیک با ایالات متحده را که از سال ۲۰۰۹ تیره بود، ترمیم کنند و برای تثبیت اقتصاد شکننده بولیوی به دنبال حمایت مالی واشنگتن باشند. پاز در اواخر سپتامبر از طرحی برای توافق اقتصادی ۱.۵ میلیارد دلاری با مقامات آمریکایی رونمایی کرد تا امنیت انرژی کشور را تضمین کند. مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، در ۱۵ اکتبر گفت هر دو نامزد «خواستار روابط قوی‌تر و بهتر با ایالات متحده‌اند» و این انتخابات را «فرصتی دگرگون‌کننده» توصیف کرد. اقتصاد آسیب‌دیده بولیوی محور اصلی مبارزات انتخاباتی بود. صادرات گاز طبیعی که زمانی منبع اصلی درآمد کشور بود، به‌شدت کاهش یافته، تورم در بالاترین سطح چهار دهه اخیر قرار دارد و سوخت کمیاب است. هر دو نامزد وعده داده بودند بخش‌هایی از مدل اقتصادی MAS را کنار بگذارند، اما تفاوت‌شان در شیوه اجرا بود: پاز از اصلاح تدریجی سخن گفت -شامل مشوق‌های مالیاتی برای کسب‌وکارهای کوچک و افزایش خودگردانی مالی مناطق- درحالی‌که کیروگا خواهان ریاضت شدید و توافق نجات مالی با صندوق بین‌المللی پول بود.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی (نوبت اول)
انجمن علمی کاردرمانی ایران

از کلیه اعضای پیوسته محترم انجمن علمی کاردرمانی ایران دعوت می شود با حضور در مجمع عمومی عادی سالیانه این انجمن به جلسه رسمیت دهند.
دستور کار جلسه: ارائه گزارش عملکرد انجمن
زمان: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹ ساعت ۱۷ الی ۱۸
مکان: بیست و ششمین کنگره کشوری و اولین کنگره بین المللی کاردرمانی ایران – مرکز همایش های ایران
هیئت مدیره پنجم انجمن علمی کاردرمانی ایران

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول
مؤسسه انجمن علمی آسم و آلرژی ایران
با شماره ثبت ۱۰۵۸۸ شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۲۶۱۱۸

بدینوسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن علمی آسم و آلرژی ایران برای حضور در مجمع عمومی عادی نوبت اول که در روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۹ از ساعت ۹ تا ۱۱ در محل مرکز طبی کودکان، سالن امید به نشانی انتهای بلوار کشاورز، خیابان دکتر قریب، مرکز طبی کودکان، ساختمان شماره ۲، طبقه سوم، سالن امید، برگزار می‌گردد دعوت به عمل می‌آید.
دستور جلسه: ۱- تعیین اعضای کمیته انتخابات ۲- گزارش سالیانه هیأت مدیره
هیأت مدیره انجمن علمی آسم و آلرژی ایران

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک لواسانات
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۴۸۰۰۳۴۴۸ مورخ ۱۴۰۴.۶.۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لواسانات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلامعلی بابائی به شناسنامه شماره ۱۰۷ کدملی ۰۴۵۰۶۸۰۲۵۸ صادره شمیران فرزند محمد علی در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۰۲.۲۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۴۴ فرعی از ۲۹ اصلی واقع در قریه کردیان بخش ۱۱ تهران حوزه ثبت ملک لواسانات انتقال مع الواسطه ملک از مالک رسمی آقای حسن بابائی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الف ۱۴۶۸۵ اداره ثبت اسناد و املاک لواسانات (تهران)

سند برگ سبز **موتورسیکلت بنلی**، به رنگ سفید مدل سال ۱۳۹۷ به شماره انتظامی ۱۴۵-۴۸۲۳۶ و شماره موتور 0148N23277557 و شماره تنه N23CDBJBFJ1E04125 به نام **علی نوری سلطان** در تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب مهسا بیگ رضایی** فرزند کیومرث به شماره شناسنامه ۳۷۰۵ صادره از کرمانشاه در مقطع دکتری تخصصی رشته تکنولوژی نرم افزار صادره از واحد دانشگاهی دانشگاه آزاد واحد قزوین با شماره ۳۴/۴۴۹۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین به نشانی قزوین، میدان جانبازان، بلوار نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین ارسال نماید.

برگ کمپانی و برگ سبز سند مالکیت خودرو سواری تیبا ۲ رنگ سفید روغنی به نام آقای **نادر میرمحسنی نمین** به شماره شاسی NAS۸۲۱۱۰۰F۱۰۲۶۱۰۳ و شماره موتور ۸۲۰۲۲۹۸ و شماره پلاک انتظامی ۲۲ ایران ۷۸۲ ل ۸۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
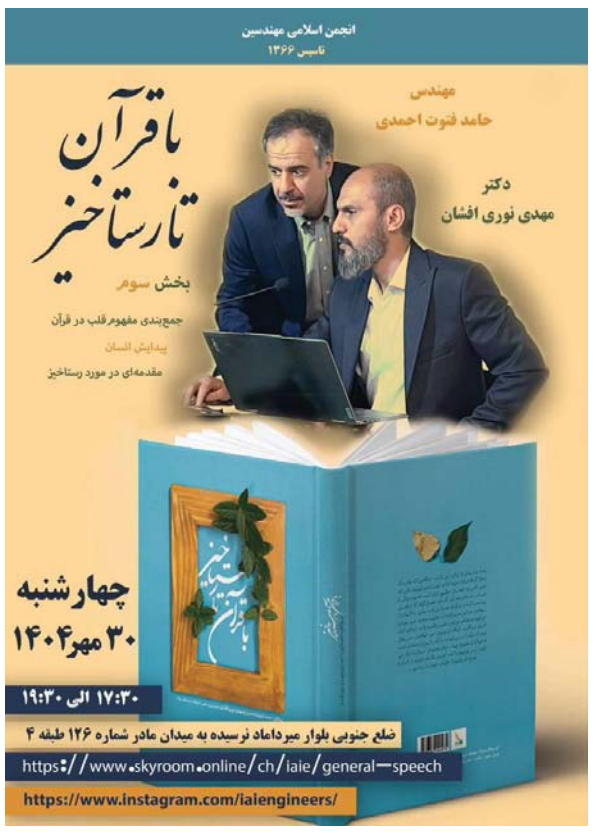
سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR